

آیت الله محسنی (ره) و راهکارهای تقریب مذاهب اسلامی

سید عیسی جواد غزنوی *

چکیده

بحث از تقریب مذاهب اسلامی از بحث‌های مهم دنیای اسلام است. امروزه علما و اندیشمندان بزرگی هستند که سعی کرده‌اند، در منظومه فکری شان، طرحی کلان و جامعی برای کشورهای متفرق و پراکنده اسلامی در برابر دشمنان اسلام پایه‌ریزی کنند. تقریب که به معنای همکاری در مشترکات، معذور دانستن در اختلافات و برادری در دینیات در نظر گرفته شده است. هدف این تحقیق که با روش تحلیلی-توصیفی صورت گرفته این است، نظریه تقریب مذاهب اسلامی اندیشه سیاسی، فقهی و کلامی حضرت آیت الله محسنی (ره) چه مبنای دارد و براساس کدام راهکارهای مطرح است. دست‌آوردهای این تحقیق نشان می‌دهد که تفکر نظریه تقریب در اندیشه ایشان از مبانی عقلی قرآنی و روایی بهره‌مند است. هم‌چنین ایشان جلوگیری از حمله به مقدسات شیعه و سنی، شک زدایی و ایجاد اطمینان از عدم توهین به بزرگان مذهبی و علمای همدیگر، التزام عملی طرفین به احترام گذاردن در گفتار و رفتار، شکستن حصر مذاهب، مؤمن و برادر ایمانی دانستن همدیگر، اعتمادسازی و اطمینان از مشترکات و تقریب سازی مفهومی را از راهکارهای اندیشه تقریب می‌داند.

کلید واژه‌ها: تقریب، تقریب مذاهب اسلامی، شیعه، سنی، اخوت اسلامی.

مقدمه

مذاهب اسلامی خاستگاه واحدی به نام اسلام دارند، چنان‌که منابع واحدی به نام کتاب، سنت، عقل و اجماع و بعضاً قیاس و عرف دارند. هم‌چنین مذاهب اسلامی برای خودشان، دارای مبانی و مبادی روشنی هستند که عقلانیت و شریعت از مصادیق آن است و درعین حال مذاهب اسلامی دارای روش مجهز و قابل قبولی به نام «اجتهاد» هستند که همه این موارد، می‌تواند براهمیت مذاهب و دیدگاه‌های آن در موارد مسائل مختلف اشاره دهد.

هریک از مذاهب و شرایع، فلسفه، مقاصد و اغراضی دارند. غرض مذاهب اسلامی تماماً به ترتیب اهمیت و اعتبار عبارت‌اند از حفظ دین، نفس، عقل، ناموس و مال. با وجود این همه و بسیاری از مشترکات دیگر، آیا جایی برای مفترقات و مفتریات برای مسلمین باقی می‌ماند؟ باید گفت حاشا و کلاً! همین‌جا است که این سؤال مطرح می‌شود «اگر یک چنین اختلافی به وجود بیاید و به عبارتی، در صورت پیش آمدن ناخواسته چنین اتفاق ناگوار و نامبارکی، راه حل و علاج چیست و چگونه باید باشد؟ از سوی اندیشمندان مسلمان و نظریه‌پردازان مذاهب اسلامی، چند راه حل ارائه شده است که عبارت‌اند از ادغام مذاهب، انحلال مذاهب، اتهام مذاهب، افتراق مذاهب، تکثیر مذاهب و تعامل مذاهب.

در این میان عالم عامل، نواندیش و اندیشه‌ورز معاصر، حضرت آیت الله محسنی (ره)، نظریه توافقی، تعاطی، تعامل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با صاحبان تمامی ادیان و مذاهب داده و با تقویت و تعقیب مشترکات، سخن از تقریب مذاهب اسلامی به میان آورده است. وی که «گفتگورا از ارکان اعظم دین» و نزاع شیعه و سنی را «جنگ در تاریکی» دانسته، باب بحث و گفتگورا بین مذاهب باز می‌داند و آن را یک کار «مقدس» می‌شمارد. چنان‌که؟ مگر مسلمین در کتاب شریف، «امت واحده» خوانده نشده‌اند؟

آیت الله محسنی (ره) در این مسیر و هدف، روی یک چارچوب و اصل کلیدی به حیث یک مبنای کلان و کلی که همه قفل‌ها را با آن باز می‌کند، تکیه و تأکید دارند که عبارت است از: «مؤمن دانستن تمام مسلمین»، نه وحدت و تقریب از باب ضرورت و مصلحت و

حکمت، که البته جمع هم امکان‌پذیر است. در این نوشتار بحث به بررسی اندیشه تقریبی حضرت آیت‌الله محسنی(ره) می‌پردازیم که اصولاً تقریب در اندیشه ایشان روی چه عواملی ضرورت دارد، مبنای قرآنی و روایی آن چیست و چه راهکارهای در اندیشه حضرتش، ارائه و طرح شده است؟

۱- کلیات و چارچوب مفهومی

آیت‌الله محسنی(ره) برای بررسی مباحث مربوط به تقریب مذاهب اسلامی ابتدا سعی کرده مشکلات جهان اسلام و راهکارهای آن را ارائه کند که خود به نحوی هم بررسی مشکلات بین شیعه و سنی است و هم راهکارهایش، مربوط به تقریب مذاهب اسلامی؛ اما مطابق طرحی که در نظر داریم ابتدا به بحث کلیات و چارچوب مفهومی از تقریب در این نوشتار می‌پردازیم.

۱-۱. وضعیت جهان اسلام و مشکلات اساسی

وضعیت امروز جهان اسلام به‌راستی تکان‌دهنده و نگران‌کننده، دل‌خراش و آسف‌انگیز است. قتل و غارت، جهل و عصبیت، بدبینی و بی‌اعتمادی در بین مسلمانان بیداد می‌کند. طوفان جنگ و چپاول و کشتار، بنیان و بنیاد کشورهای اسلامی را از بیخ و بن برکنده و در برهوت بی‌سرنوشتی به دوردست‌ها فرستاده است. به عبارت دیگر «ما باد کاشتیم و طوفان درو کردیم» و به قول آیت‌الله محسنی(ره) «وضع امروزی ما واقعاً اسفناک و حتی گریه‌آور است». چرا چنین شده است؟ عواملی مختلف و متعددی دارد؛ «جهالت و سوء تفاهم و ناآگاهی مسلمانان، تعصب و نژادگرایی‌ها، ریاست‌طلبی‌ها و خودخواهی‌ها، استعمار و عوامل اجنبی و خارجی، اصالت فرد و افراد و اشخاص به جای اصول...» (محسنی(ره)، ۱۳۷۵: ۲۴). عوامل این اوضاع است. لذا باید پرسید که چه باید کرد؟ وقتی که این سؤال را از پیش‌تاز و پرچم‌دار تقریب مذاهب و منادی صلح و وحدت مسلمین، آیت‌الله محسنی(ره) پرسیدند، در جواب گفت: «عجب است که قرآن مجید از اخوت و برادری مؤمنین صحبت می‌کند: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ** (حجرات: ۱۰) و ما هنوز درباره هم‌زیستی مسالمت‌آمیز گیر مانده‌ایم» (همان).

در منطق و باور آیت‌الله محسنی(ره) که برخورد‌های شیعه و سنی را «جنگ در تاریکی»

می‌داند، نه جنگ راه‌حل است نه حذف و نابودی فیزیکی افراد ممکن. نه محو مذاهب امکان‌پذیر است و نه باطل دانستن عقیده و اندیشه دیگران. نه سنی ساختن شیعه امکان‌پذیر است و نه شیعه ساختن سنی. به صورت کلی نه ادغام مذاهب، نه دست کشیدن از مذهب، نه انکار اختلاف، نه تکفیر و تفسیق مخالفین، نه دست کشیدن از اصول، نه تهمت و افترا و بدنام کردن عقیده و صاحب عقیده، نه دامن زدن به اختلافات و افتراقات، نه قطع رابطه و بستن مرزها، هیچ‌کدام امکان‌پذیر نیست (ر.ک. محسنی‌ره)، (۱۳۸۲).

۱-۲. وضعیت جهان اسلام، مشکلات و راه‌حل‌ها

با توجه به مشکلاتی که جهان اسلام با آن مواجه است و پیش‌تر گفته شد که این پرسش مطرح است که چه راهکارهایی برای حل این مشکلات وجود دارد؟ چه باید بکنیم که بتوانیم جهان اسلام را از این بدبختی نجات دهیم؟

۱-۲-۱. آگاه‌سازی بر محور اصل اسلام

یکی از راه‌حل‌های اساسی برای حل مشکلات جهان اسلام و اختلافاتی که به نام شیعه و سنی وجود دارد این است که آگاهی مسلمانان اعم از شیعه و سنی، در بخش‌های مختلف مسائل دینی، مذهبی و سیاسی افزایش داده شود تا به عنوان یک عامل درونی در برابر عوامل بیرونی اختلاف و تفرقه عمل نمایند. آیت‌الله محسنی‌ره در این زمینه می‌فرماید: «راه‌حل اساسی و اصولی، در آگاهی دادن مسلمانان، رفع تعصب و عصبیت‌های مذهبی و نژادی، گردآمدن بر محور و حول مصالح و منافع امت اسلامی و حفظ اصل اسلام به جای اصالت دادن به فرع است». (همان)

۱-۲-۲. درک ضرورت اتحاد شیعه و سنی

یکی از عواملی که سبب می‌شود مشکلات جهان اسلام به سمت یک راه‌حل معقول و منطقی سوق داده شود، این است که هر مسلمان، ضرورت اتحاد شیعه و سنی را به عنوان یک نیاز اساسی جامعه امروزی مسلمانان درک کند. باید ذهنیت و افکار عمومی مردم در راستای این مهم سوق داده شود و کارهای اساسی صورت بگیرد. اسلام شیعه و سنی،

هر دو را مؤمن خطاب می‌کند که با هم برادرند و از طرف دیگر نزاع و منازعه‌ای که بین مسلمانان سبب شود ابهت و اقتدار جامعه دینی تضعیف گردد و شوکت اسلامی زیر سؤال برود، حرام پنداشته شده است. از این رو، وحدت شیعه و سنی یک امر ضروری پنداشته می‌شود. آیت‌الله محسنی(ره) در این زمینه باور دارد که:

ما از چند جهت اتحاد سنی و شیعه را ضروری می‌دانیم؛ اولاً از نظر دین اسلام که پیروان خود را از نزاع و عداوت و تفرقه نهی می‌کند، مؤمنین را برادر هم می‌داند و امر به اصلاح آنان می‌کند: *إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ* (حجرات: ۱۰)؛ ثانیاً: کشمکش بین مسلمانان سبب تقویۀ کفار و ضعف اسلام می‌گردد و همه می‌دانیم که تضعیف اسلام حرام است و خیانت به قرآن و اسلام محسوب می‌شود؛ ثالثاً: جنگ و نزاع مانع پیشرفت می‌شود (محسنی(ره)، ۱۳۷۱: ۱۵۹).

۳-۲-۱. ضرورت همکاری و گفتگو

یکی از مؤلفه‌های که سبب یافتن راه حل اساسی برای حل مشکلات جهان اسلام می‌شود، این است که شیعه و سنی، باید ضرورت همکاری و گفتگو بین همدیگر را درک کنند. به عبارت دیگر، ضمن اینکه باهم اختلاف نظر و عقیده دارند، باید در عرصه سیاسی و اجتماعی جهان اسلام باهم تعامل و گفتگو داشته باشند. این امر سبب می‌شود که کشورهای اسلامی تا حدودی زیادی نسبت به حل مشکلات جهان اسلام نزدیک شوند. روی نیازها و ضرورت‌های فوق است که «همکاری و گفتگوهای مثبت با تمام مذاهب اسلامی در شرایط امروزی، واجب است. چه به عنوان حکم اولی و چه به عنوان ثانوی» (محسنی(ره)، ۱۳۸۶: ۱۹، ۲۶، ۷۴). از طرف دیگر باید قبول کرد که اگر منازعه و جنگ، افراطیت و خشونت به جای گفتگو و تفاهم بنشیند، کشورهای اسلامی و جهان اسلام آسیب و ضررهای بیشتری می‌بینند.

۴-۲-۱. تصویرسازی به روز از همکاری‌های خلفا

اگر به عصر خلفا بازگردیم یا تصویری از دوران خلفا برای جامعه اسلامی امروز ارائه کنیم، متوجه می‌شویم که در عصر خلفا اصل بر همکاری و همیاری، بوده است. در کل این همکاری باعث شده که حوزه و قلمرو اسلام توسعه یابد. مخصوصاً این تصویرسازی در

نگاه شیعی به صورت قابل توجهی پررنگ است و سبب می شود که شیعیان نسبت به اهل سنت باید همکاری و همیاری بیشتر داشته باشند. به عبارت دیگر شیعه برای این «کار مقدّس»؛ یعنی «رفع بدبینی های موهوم و موهون» و تقریب و همکاری خود، مبنای فکری و سابقه و مستند تاریخی از امامان معصوم خود نیز دارند. آیت الله محسنی (ره) می نویسد:

اگر خلیفه ثانی ده جا گفته «لولا علیّ لهلك العمر» گذشته از اینکه از علم و دانایی حضرت علی (علیه السلام)، به فقه و دین حکایت می کند، از همکاری امیرالمؤمنین با خلفا نیز حکایت می کند. اختلاف در رأی و نظرباعث نشده است که علی (علیه السلام)، با خلفا و مخصوصاً خلیفه دوم، همکاری نکند. تقریباً می توان گفت که در دوران خلفا، حضرت علی (علیه السلام) به نحوی قاضی حکومت بوده است؛ اما نه قاضی رسمی. حضرت علی (علیه السلام)، «در جنگ ها مورد مشورت خلفا قرار می گرفت. برای قضایای اسلامی، علی (علیه السلام) با آن ها بوده و رفت و آمد داشتند. سؤال های علمی مطرح می شده است. حتماً یک مواردی بوده که علی (علیه السلام) با آن ها همکاری کرده است که آن جمله «لولا علیّ لهلك العمر» چندین بار گفته شده است (همان).

۱-۲-۵. وجوب شرعی وحدت از نظر منطقی

اگر بخواهیم مطالب و تحلیل فوق را برهانی و منطقی بسازیم، قضیه به شکل ذیل در آمده و نتیجه مطلوب خواهد داد؛ یعنی اگر مطابق صغری و کبری منطقی هم بحث را دنبال کنیم، نتیجه این است که باید بین مسلمانان همکاری باشد تا بتوانیم حفظ اسلام را به عنوان اصل مهم در محوریت آرا و اندیشه کشورهای اسلامی قرار دهیم. حضرت آیت الله محسنی (ره) در این زمینه می گوید:

ترویج و حفظ دین واجب است. مقدمه واجب (تفاهم و همکاری) هم واجب است. پس همکاری با سنی ها واجب است. تضعیف اسلام به هر نامی که باشد از محرّمات کبیره است و شیطان نباید مسلمانان را فریب دهد. مذهب یک شاخه است و دین اصل است (همان: ۱۰۱، ۱۰۲، ۴۸، ۱۰۳).

در همین مورد است که آیت الله دو نکته مهم و اساسی را گویا به فریقین شیعه و سنی و در واقع به همه آدم های عاقل و خردمند، به حیث یک قانون کلی زندگی و فرمول در

میدان‌های بازی، گوشزد می‌کند:

۱) متعصبان می‌گویند شیعه کافر است و با آن‌ها هیچ مذاکره‌ای نمی‌توانیم بکنیم، چرا؟ می‌گویند شما تقیه می‌کنید؛ تقیه مسئله فرعی است. من با تودر مسائل اعتقادی صحبت می‌کنم. تقیه ما درست باشد یا غلط، مسئله فرعی است، توباً مسئله فرعی چه‌کار داری؟ ۲) خود مرحوم مجلسی روایت می‌کند که بیان اسرار ائمه جایز نیست و این کار حرام است (همان: ۸۰-۱۰۴).

از آنچه در این بخش گفته شد معلوم شد که وضعیت جهان اسلام به لحاظ مشکلاتی که وجود دارد، در بدترین حالت قرار دارد و برای بیرون رفت از آن راهکارها و راه‌حل‌های ارائه شد. به راستی اگر کشورهای اسلامی به این امور توجه کنند، قطعاً وضعیت فعلی که جهان اسلام دارد، بهتر خواهد شد.

۱-۳. چارچوب مفهومی تقریب، امکان و واقعیت

در بحث از تعریف یک مفهوم، گاهی به ارائه تعریف خاصی ارجاع داده می‌شود و گاهی به دلیل عدم وضاحت در تعریف یا به دلیل پراکندگی و تکثر تعاریف، سعی می‌شود که یک چارچوب مفهومی ارائه شود. در بحث از تعریف تقریب مذاهب اسلامی هم با این رویکرد دوم مواجه هستیم. تقریب معنای اصطلاحی خاصی ندارد و به همین خاطر در اینجا تلاش می‌شود با توجه به دلایل و نتایجی که بر تقریب استوار است، یک چارچوب مفهومی در حدی که بتواند مبنای برای بررسی و تحقیق گردد، ارائه شود.

۱-۳-۱. چارچوب مفهومی تقریب

در آشفته‌بازار و فضای پرغوغای تقریب‌خواهی‌ها و وحدت‌طلبی‌های جهان اسلام و مسلمانان، نخستین چیزی که لازم و ضروری به نظر می‌رسد، ارائه یک چارچوب و تعریف مشخص و قابل قبول از خود مسئله مظلوم «تقریب» است تا خود به خود به «تخریب» تبدیل نشود و تقریب و گفتمان پیرامون آن چارچوب مشخصی، داشته باشد. فقیه مورد نظر، با درک این حساسیت و ضرورت، از تقریب، چنین چارچوبی را ارائه می‌کند که بر مبنای یک سری تعریفات، ضرورت‌ها، ارائه مبانی و ملاحظات سیاسی صورت گرفته است.

ایشان از یک طرف تقریب را به معنای همکاری در مورد مشترکات دینی بین شیعه و

سنی می‌داند. در حالی که از سوی دیگر، سعی دارد همدیگر را در مورد اختلافات معذور بدارد و در عین حال یک قاعده اصولی را طرح می‌کند که در مورد اختلافات وجود دارد؛ هرکسی که به حق برسد دو ثواب، و کسی که به خطا می‌رود، یک ثواب دارد. هم چنین بحث مهمی دیگر اینکه دو طرف نباید نسبت به معتقدات همدیگر، توهین نمایند که بعداً یکی از راهکارهای ایشان در مورد حل اختلاف هم است. حضرت آیت الله محسنی (ره) می‌فرماید:

تقریب، یعنی همکاری در ترویج و حفظ مشترکات دینی که بسیار زیاد است و معذور دانستن همدیگر در اختلافات، روی اصل «للمصیب اجران وللمخطیء اجرٌ واحدٌ» و برادری و دوستی روی اصل انما المؤمنون اخوة (حجرات: ۱۰) در زندگانی اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و بالاخره مورد چهارم، عدم توهین به پیشوایان و اصول مذهبی سایر مذاهب اسلامی (همان: ۱۰۳-۱۰۷).

نکته بارز و جالبی که در تعریف فوق، بسیار محسوس است اینکه تقریب از این منظر فراتر از حد و مرز مصالح سیاسی است و در قد و قواره انسان مدنی و عاقل برای انسان زیستن بالا می‌آید و رشد می‌یابد. «...آخر ما انسانیم» و «خوش داریم که در جای آرام و مسالمت آمیز به عنوان یک انسان زندگی کنیم». (همان). و دیگر اینکه ما دین داریم و «به عنوان یک متدین هم، دلمان می‌خواهد که با سنی‌ها مراوده و دوستی کنیم که دین اسلام محفوظ بماند. مذهب یک شاخه است و دین اصل است». (همان: ۱۰۳) در این جهت ایشان تأکید می‌کند که:

دوستی بین پیروان مذاهب اسلامی و سپس همکاری مخلصانه آنان، به وسیله شعارها و تبادل کلمات ادبی، به طور اساسی صورت نخواهد گرفت، بلکه لازم است همدیگر را به طور اصولی بشناسند و عقاید و آرای همدیگر را به طور صحیح دریابند تا قناعت قلبی شان به مشترکات دینی و اسلامی بین هر دو برادر مسلمان حاصل گردد و بدانند که مسائل مورد اختلاف آنان فرعی و ناچیز است. به عبارت دیگر، نزدیکی پیروان مذاهب اسلامی از راه‌های عاطفی و اخلاقی، محدود و موقتی خواهد بود؛ لذا باید آن را از راه‌های معقول و منطقی به دست آورد که پایداری و عمومیت داشته باشند (محسنی (ره)، ۱۳۸۲:

۲-۳-۱. امکان‌پذیری و معناشناسی چارچوب مفهومی

تحلیل فوق از سوی منادی وحدت و پرچم‌دار تقریب، آیت‌الله محسنی(ره)، به خوبی نشان می‌دهد که ایشان به صورت مبنایی روی تحکیم وحدت می‌اندیشد، نه سطحی و قشری. این اتحاد مبنایی از نظر ایشان امکان دارد و محال نیست؛ زیرا ایشان باور دارد که: اختلافات، عمیق و مبنایی نیست، بلکه قشری و ساختگی است و امروزه، آنچه فضای نورانی شیعه و سنی را گاهی تاریک کرده [است]، از مذاهب اهل سنت و اهل تشیع نبوده، اینان در اصول عقاید و کلیات شریعت باهم متفق‌اند. مشکل اهل سنت و اهل تشیع از خارج آمده که به ناحق، گریبان گیر آنان شده و هوشمندان و دانشمندان مسلمان - شیعه و سنی - باید آن را چاره‌جویی کنند (همان: ۴).

عوامل تفرقه و نفاق و بسترسازان جنگ و منازعه، بین شیعه و سنی، بیشتر گروه‌های افراطی و تندروان غالیان و ناصبیان هر دو طرف هستند که بیشتر اوقات، ریشه در بیرون دارد و کشورهای بیگانه و استعماری سعی کرده‌اند بین دو طرف اختلاف بیندازند تا بتوانند به مقاصد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خودشان در کشورهای اسلامی برسند. بنابراین، تکلیف و وظیفه مسلمانان خودبه‌خود، مشخص خواهد بود و آن عبارت است از: «برائت شیعه از غلات، و برائت اهل سنت از نواصب و همه باید بدانیم که غلو و ناصبی‌گری در اسلام مشروعیتی ندارند» (محسنی(ره)، ۱۳۸۶: ۱۰۱).

از این طرح، خودبه‌خود باید چند تا طرح دیگر برای ما و همه سیاست‌مداران و زمامداران کشورهای اسلامی از یک طرف و روشنفکران و عالمان مسلمان از طرف دیگر، مشتق شود:

۱) کم کردن فشارهای سیاسی و اعطای حقوق کامل مدنی و غیره توسط دولت‌ها به اقلیت‌های مذهبی که قهراً محبت را در بردارد؛ ۲) گرفتن قطعیات و داخل نشدن در مشکوکات و به‌زور جدا نکردن مسلمانان از همدیگر؛ ۳) ما باید به رهبران مذهبی دیگران تعرض نکنیم. در روان‌شناسی می‌گویند تأثیر فرد بیشتر از اصل است. اختلاف علمی، اختلاف در اصل است که منشأ نزاع و خون‌ریزی نمی‌شود، ولی اختلاف در مورد اشخاص، اختلاف در فرد است و تشنج‌زا. بنابراین باید در این مورد بسیار دقیق و محتاط بود و از تحقیر و توهین ارباب مذاهب جداً جلوگیری نمود. ۴) اختلاف در اسلام مشروعیت

دارد و همه دانشمندان، آن را به عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار تلقی می نمایند؛ ولی افراد شرور آن را جنجال برانگیز معرفی می کنند که لازم است جلو آنان گرفته شود (همان: ۴۸، ۵۴، ۸۰، ۱۰۱، ۱۰۴).

آیت الله محسنی (ره) این پیشگام تقریب و وحدت مسلمین، در شرایط و فضایی طرح های تقریبی خویش را طرح و ارائه کرد که به شدت مطمئن و امیدوار است که «این طرح ها روی کاغذ» نمی ماند و «ایده آل» محض نبوده است. ان شاء الله امت اسلام بیدار و هوشیار شده، به آنان عمل کرده ترتیب اثر خواهند داد و دشمنان وحدت را ناامید خواهند ساخت. لذا از وجود خیلی از اختلافات بین امت و عالمان اسلام نگران نبوده و پاره یا بسیاری از آنان را طبیعی دانسته است. فقط بر سر تفرقه افکنان و نفاق اندازان و آتش بیازان معرکه نهیب می زند که آیا این اختلافات طبیعی علمی، ذوقی و بشری باید سبب جنگ و جدایی و عداوت و دشمنی شود؟ در این زمینه دو مطلب قابل توجه و تذکار است:

۱. اصل پذیرش اختلاف: هر دو طرف قبول دارند که اختلاف رأی و نظریک امر قطعی در بحث های فقهی و کلامی است؛ اما هیچ گاه نباید اختلاف های نظری منجر به تکفیر و تفسیق دیگران گردد: «ما شیعه هستیم؛ با اهل سنت اختلاف داریم و آن ها هم با ما اختلاف دارند؛ ولی آیا این اختلاف ها باید به بغض و عداوت منجر شود؟ آیا لازم است که جنگ به خاطر این اختلافات ادامه پیدا کند؟ در فقه اختلاف وجود دارد، ولی این ها باعث تکفیر نمی شود (همان: ۲۲).

۲. اصل پذیرش اختلاف در علوم انسانی: در تمام علوم انسانی، اختلاف نظر میان دانشمندان وجود دارد. افکار علما، مانند صورت هایشان متفاوت است. همین تفاوت فکری، اختلاف علمی را به دنبال می آورد و هیچ گاه از زندگانی بشر جدا نخواهد شد. اختلاف نظر در مسائل فقهی وجود دارد، پس چرا اختلافات شیعه و سنی موجب دشمنی و دوری گردد؟ آیا این از وسوسه های دشمنان اسلام و احمقانه نیست؟ (همان: ۵۳).

پس با توجه به مواردی که گفته شد، روشن می شود که حضرت آیت الله محسنی (ره)، هم یک چارچوب خاصی برای تقریب از نظر مفهومی ارائه می کند و هم آن را یک امر ممکن و واقعیت پذیر می داند. احترام گذاشتن به عقاید همدیگر و پذیرش بسیاری از اختلافات به عنوان یک بحث عملی و نظری، درک ضرورت های زندگانی اجتماعی و سیاسی

کشورهای اسلامی و... همه و همه می‌تواند هم مفهوم تقریب را به‌عنوان یک مفهوم جدید در دنیای علمی تبیین نماید و هم می‌تواند آن را مبنایی بسازد.

۲- راهکارهای تقریب مذاهب اسلامی در اندیشه آیت‌الله محسنی(ره)

اما چارچوب و راه‌کارهای عملی و استراتژیک رسیدن به یک وحدت پایدار و تفاهم سراسری و همگانی در جهان اسلام و در بین امت اسلامی چیست؟ این یک سؤال اساسی و بنیادینی است که در اندیشه‌های سیاسی صلح‌جویانه و وحدت‌طلبانه منادی و پرچم‌دار آشتی و صلح و وحدت، آیت‌الله محسنی(ره)، قابل دریافت و پیگیری است. روشن است که راهکارهای حضرت ایشان، به‌آسانی و به‌راحتی ظرفیت عملی شدن دارد و صرفاً یک سری مباحث تئوریک و ایده‌آل‌گرایانه نیست که نتوان آن را در جامعه تطبیق کرد. راهکارهای ایشان در ذیل بررسی می‌شود:

۲-۱. جلوگیری از حمله به مقدسات همدیگر

یکی از راه‌های که می‌تواند در عملی شدن تقریب و وحدت‌گرایی بین مسلمان شیعه و سنی کمک کند، این است که هر دو طرف نباید به مقدسات همدیگر توهین نمایند. توهین به مقدسات یکی از عوامل اساسی اختلاف و گسترش نفاق و تفرقه است. به همین خاطر، علمای روشنفکر شیعه باید عوام شیعه را به‌طوری از این کار نهی کنند که علمای سنی را به اخلاص نیت خود قانع سازند. به نظر نگارنده، مرجعیت روحانی و علمی و مذهبی ما، در عصر حاضر وظیفه دارند به اتفاق آراء، حکم به تحریم سب خلفای ثلاثه را صادر کنند تا راه بهانه‌جویی را بگیرند و نگذارند فاصله شیعه و سنی رو به توسعه برود؛ بلکه در تقریب این دو گروه کوشا باشند (محسنی(ره)، بی‌تا: ۳۷۴). شیعیان نباید به خلفای راشدین بدگویی کنند که یکی از آثار این بدگویی رواج کینه و عداوت بین مسلمانان است و مداخله بیگانگان. بنده دشنام دادن به خلفای راشدین را در اینجا برای همه شیعیان حرام اعلان می‌کنم و در این حکم من تنها نیستم و بسیاری از دانشمندان شیعه آن را قبول دارند (محسنی(ره)، ۱۳۸۶: ۴۷).

۲-۲. شک زدایی و ایجاد اطمینان

یکی از راهکارهای که حضرت آیت الله محسنی (ره) برای تقریب مذاهب اسلامی ارائه می‌کند، این است که باید به برادران اهل سنت فهمانده شود که شیعه قائل به لعن خلفای راشدین نیست. حضرت آیت الله محسنی (ره) می‌گوید:

من می‌خواهم به برادران سنی خود بگویم خدا شاهد است در کتاب فقه ما از اوّل فقه تا آخر فقه، لعن بر کسی نیامده است. این حرف‌هایی که می‌گویند شیعه خلفا را لعن می‌کنند، دروغ است. کتاب‌های شیعه معلوم است. آن کتاب‌هایی که فقه شیعه را می‌نویسند و مردم شیعه را جهت می‌دهند، حلال و حرامشان را بیان می‌کند، به نام توضیح المسائل، شما بخرید از اوّل تا آخرشان بخوانید، آیا حتی در یکجا هم بی‌احترامی نسبت به خلفا شده است؟ قطعاً نیست. وجود یک روایت، ده روایت در یک مذهب دلیل این نیست که اهل آن به این اعتقاد دارند. خبر واحد از شرایطش این است که سندش صحیح باشد، معارض با قرآن و مخالف با عقل نباشد، با روایات دیگر هم معارض نباشد. این است که یک نویسنده‌ای اگر چیزی می‌نویسد، او از طرف مذهب نیست، او از طرف فرد است، به دهانش بزیند (حرکت اسلامی، فجر امید، ۲۳: ۱۹-۲۱).

آیت الله محسنی (ره) باز تأکید می‌کند که لعن در عقاید شیعه حتی مستحب نیست چه رسد لعن بزرگان دین. دلیل واضح و روشن این ادعا این است که شما می‌توانید کتاب‌های شیعی به نام توضیح المسائل را خریداری نمایید و آنجا بنگرید. اگر کسی هم به زیارت عاشورا استناد کند جوابش این است که زیارت عاشورا اولاً از لحاظ سندی دچار اشکال است و سندیت آن به این سبک کلی، دچار اشکال است و دوم اینکه مشهور شدن آن دلیلی بر این نیست که این از عقاید شیعه باشد:

لعن در تمام کتب فقهی شیعه، به استثنای کتاب لعانی که داریم، در حق کسی وارد نشده. من ندیدم که لعن از مستحبات شیعه باشد، این شما و این توضیح المسائل‌ها. زیارت عاشورا سند ندارد. ما که نمی‌توانیم چون فلان زیارت مشهور شده و مقدّس‌ها می‌خوانند، بیاییم این را جزء آیات قرآن یا احادیث مسلم به شمار بیاوریم. اهل تحقیق می‌گویند که این لعن‌های مذکور در زیارت عاشورا در دوره صفویه زیاد شده، در مصباح صغیر شیخ طوسی وجود ندارد. در کامل‌الزیاراتی که مرحوم امینی آن را تصحیح کرده،

وجود ندارد. دقت کنید (محسنی(ره)، ۱۳۸۶: ۸۰).

۲-۳. التزام عملی طرفین

یکی از راهکارهای خوبی که در مسیر اتحاد و همبستگی مسلمان می‌تواند وجود داشته باشد این است که هر دو طرف و مخصوصاً علمای بزرگوار باید نسبت به احترام خلفای راشدین و ائمه اطهار، التزام عملی داشته باشند. در گفتارها و نوشتارهایشان هرگز به مقام شامخ علمای دین و پیشوایان جهان اسلام بی‌نزاکتی و بی‌احترامی روا ندارند. «نگارنده این موضوع را مفصلاً در کتاب دیگر خود ذکر کرده‌ام و گفته‌ام که بدگویی به خلفای راشدین شرعاً حرام و گوینده آن مستحق تعزیر و تأدیب است. مسلمانان باید اهل بیت و اصحاب خاتم النبیین را احترام کنند» (حرکت اسلامی، ۱۳۷۸: ۴۲).

۲-۳-۱. مسلمان دانستن همدیگر

هر دو طرف باید التزام عملی داشته باشند که عقاید و باورهای همدیگر را بپذیرند و به لحاظ عقیدتی، مسلمان دانستن یکدیگر، بر اساس مبنا را قبول نمایند. به فرمایش حضرت آیت‌الله:

هر کس به خدا و پیغمبر ختم مرتبت اسلام، اقرار کند و ضرورت دین اسلام را مانند وجوب نمازهای پنج‌گانه و روزه ماه رمضان و زکات و امثال آن، از احکامی که مورد اتفاق همه مسلمانان است، انکار نکند، او در مذهب شیعه مسلمان است؛ خواه به امامت امامان دوازده‌گانه معتقد باشد، مانند شیعه امامیه، و خواه نباشد، مانند اهل سنت و زیدیه. بنابراین، اعتقاد به امامت، شرط مسلمان بودن نیست، بلکه شرط تشیع است. شیعه اهل سنت را مسلمان می‌داند و برادران دینی (محسنی(ره)، ۱۳۷۱: ۱۵۵-۱۵۷).

پس در نگاه یک فرد شیعی برادران اهل سنت همه مسلمان‌اند و هیچ تفاوتی در اسلامیت بین یک شیعه و سنی وجود ندارد. با توجه به مطلب فوق، فروع دیگری برای بحث مترتب می‌شود. به عبارت دیگر پذیرش بحث فوق، پیامدهای ذیل را در بردارد:

(۱) بدن اهل سنت پاک است؛ (۲) ذبیحه اهل سنت حلال است؛ (۳) مال و جان اهل سنت محترم است و ضرر رساندن به آن حرام و موجب ضمان است؛ (۴) تزویج زن شیعه به مرد سنی و تزویج زن سنی به مرد شیعه صحیح است؛ (۵) میراث برده می‌تواند، (۶) و اگر

شیعه امامی، سنی یا شیعه غیر امامی را عمداً بکشد، یک مسلمان را کشته باید قصاص شود (همان).

یک بحث دیگر را باید توجه کرد که قبول ولایت، شرط قبولی عمل است و نه صحت عمل. این بحث می‌تواند در برداشت طرفین کمک کند که نسبت به بحث اتحاد و تقریب، فکر درست‌تری را داشته باشند:

ولایت شرط قبولی عمل است و نه شرط صحت عمل. یکی از اشخاصی که می‌گفت شرط قبولی عمل است مرحوم آیت‌الله بروجردی بود. همین روزه‌ای که ما شیعه‌ها می‌گیریم، آن‌ها هم می‌گیرند؛ آیا روزه آنان صحیح است یا باطل؟ هیچ دلیل قوی تاکنون پیدا نشده است بر این‌که عمل مخالفان مذهب ما باطل باشد، در این خصوص، دلیلی در فقه وجود ندارد؛ بلکه از بعضی تعلیلاتی که درباره عدم اعاده اعمال مستبصر آمده، استفاده می‌شود که عمل آنان صحیح است. ما نمی‌توانیم کفر را به مذاهب اسلامی نسبت دهیم و فقط بگوییم ما مسلمانیم (محسنی (ره)، ۱۳۸۶: ۲۲ و ۶۴).

بنابراین باید توجه کرد که مسلمان دانستن و باورمند شدن به صحت اعمال و اعتقاد برادران اهل سنت، در بحث از تقریب مذاهب و همگرایی میان مسلمین نقش بسیار مهمی دارد. به صورت کلی باید توجه کرد که از نظر فقهی و در نگاه فقها، اصل بر صحت عمل هر مسلمانی است:

بالاخره شیعه امامیه با اعتقاد کامل به صحت مذهب خود، که مذهب اهل بیت پیغمبر است، سنیان را به تمام معنا مسلمان دانسته و احکام اسلام را بر آنان جاری می‌دانند. هر کس از مغرضین و مزدوران اجنبی، غیر این را به آنان نسبت بدهد، دروغ است و کتب فقهی ما گواه صادق بر این ادعا است. یک نویسنده دروغ‌گو نوشته بود که شیعه، ازدواج زنان شوهردار اهل سنت را جایز می‌داند، چون عقد نکاح اهل سنت در نظر شیعه باطل است. سبحانک هذا بهتان عظیم (محسنی (ره)، ۱۳۷۱: ۱۵۵-۱۵۷).

... و من همراه با مشهور بین امامیه، صحیح می‌دانم اسلام سایر مذاهب اسلامی و اسلام هر کسی را که معتقد به خدای تعالی و وحدانیت و قدم آن باشد و غیر خدا را نپرستد و به نبوت محمد بن عبدالله و روز قیامت ایمان داشته باشد و ضروری از ضروریات دین را انکار نکند تا تکذیب پیغمبر ﷺ لازم بیاید. و آنچه را که بعضی از علمای متقدم و

محدث ما ذکر کرده‌اند، از تکفیر مخالفین به قول مطلق، صحیح نیست؛ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (انبیاء: ۹۲) (محسنی(ره)، ۱۳۸۱، ۲: ۹۵).

۲-۳-۲- التزام عملی اهل سنت

در مقابل اهل سنت هم باید این التزام را داشته باشد که نسبت به شیعه و باورها و رفتارهایشان مراعات کنند. امامت در نظر اهل سنت جزئی از فروع است و کسی که در فروع اگر باوری نداشته باشد، الزاماً به معنای فسق آن نیست چه رسد به کفر آن:

عین نظری که شیعه به سنّیان داشت، مذهب اهل سنت به شیعیان هم همان نظر را دارد و چیزی که مانع از حکم به مسلمان بودن به تمام معنای آن باشد، در فقه آنان وجود ندارد. امامت در نظر اهل سنت از جمله فروع است که مخالف در آن تکفیر نمی‌شود. بنابراین اگر شیعه، خلافت را برای امامان دوازده‌گانه خود قائل‌اند، به هر حال معذورند» (محسنی(ره)، ۱۳۷۱: ۱۵۵-۱۵۷).

توجه باید داشته باشیم که از نظر فقهی، مخالفت در فروع باعث نمی‌شود که کسی متهم به فسق شود، چه رسد به اینکه او را کافر بدانیم: «مگر نه این است که مخالفت در فروع و فرعیات موجب فسق نمی‌گردد تا چه رسد به کفر؟ و حتی مخالفت در فروع منافات با عدالت ندارد» (محسنی(ره)، ۱۳۷۱، ۳: ۲۰۱). آیت‌الله محسنی(ره) می‌فرماید:

هر که پیرو یکی از مذاهب اسلام باشد، مسلمان است. مذاهب اسلامی عبارت‌اند از چهار مذهب اهل سنت: حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی، و مذهب جعفری، زیدی، اباضی و ظاهریه. پیروان هر یکی از این مذاهب، مسلمان است و تکفیرش جایز نیست و خون و آبرو و مالش حرمت دارد. همه این فرقه‌ها اتفاق دارند بر ارکان پنج‌گانه اسلام، شهادتین، نماز، زکات، روزه و حج بیت‌الله. اختلاف در مسائل فروع است، نه در مقولات اصول دین. اختلاف در فروع برای امت رحمت است. خداوند پاک فرموده است: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات: ۱۰) والحمد لله وحده». (بیانیه کنفرانس بین‌المللی اسلامی، منعقد در عمان، مورخ ۲۷-۲۹ جمادی الاول ۱۴۲۶ ق) (شورای علمای شیعه افغانستان، ۱۳۸۵، ۱۰-۱۴).

عبدالکریم شهرستانی در مقدمه ملل و نحل می‌گوید: اگر ثابت شود که علی گفته، ما

قبول می‌کنیم، چون پیغمبر گفته است: «علیٌّ مع الحقِّ والحقُّ مع علیٍّ». این قضیه را ابن ابی الحدید هم می‌گوید» (محسنی (ره)، ۱۳۸۶: ۷۴).

۲-۴. شکستن حصر مذاهب

یکی از راهکارهای که در تقریب مذاهب اسلامی نقش مهمی دارد، شکستن حصر مذاهب است؛ یعنی نباید مذاهب رسمی را به تعدادی خاصی محدود کرد. وقتی بزرگان اهل سنت مذهب جعفری را به عنوان یک مذهب رسمی اعلام کردند، سبب شد که بسیاری از مسائل در بین دو مذهب شیعه و سنی حل گردد:

از امام ابوحنیفه هیچ روایتی نرسیده است که نظریات فقهی و استنباطات اجتهادی او را به زور و جبر بر همه مسلمانان تطبیق کنند و آنان را از هر نوع نظر و اجتهاد، جلوگیری نمایند. این موضوع در نظر دانشمندان عالی‌رتبه احناف مسلم و محرز است. شیخ شلتوت، رئیس اسبق جامع الاظهر در مصر، نیز طی فتوای تاریخی خود از جانب اهل سنت، اعلام داشت که مذهب جعفری، همانند سایر مذاهب اهل سنت، شرعی بوده و عمل به آن مبرء الذمه هر مسلمان است. مسلمانان می‌توانند از مذاهب خود به آن مذهب عدول نمایند. اسلام بر هیچ‌کس از پیروان خود واجب نکرده که در احکام عملی از مذهب معین پیروی کند. مذهب جعفری، مشهور به مذهب شیعه اثنی عشری، از جمله مذاهبی است که مانند مذاهب اهل سنت، شرعاً می‌توان از آن تقلید کرد و در این باب فرقی میان عبادات و معاملات نیست (دارالانشای حرکت اسلامی، ۱۳۷۸: ۱۵-۲۰).

هم‌چنین حضرت آیت الله محسنی (ره) می‌گوید:

عامة در انحصار مذاهب به اربعه و اخذ اقوال علمای اربعه دلیل ندارند، جز تقلید و اقتدا به رویه پدرانشان و اگر نه دلیلشان چیست؟ اگر تقلید هم روا باشد، تقلید از اعلم روا است و نه از مطلق مجتهد. باید عمل به اعلم کرد که او عبارت از عترت طاهره و در طلیعه ایشان جعفر ابن محمد الصادق علیه السلام است (محسنی (ره)، ۱۳۸۵: ۳، ۳۴۲).

۲-۵ مؤمن و برادر ایمانی دانستن یکدیگر

یکی از عواملی که می‌تواند در همگرایی و تقریب مذاهب اسلامی بسیار مفید باشد این است که باید هر دو فرقه مذهبی، همدیگر را مؤمن و برادران ایمانی‌شان بدانند. باید توجه

کرد که رنجاندن مؤمن حرام است:

ایذا و رنجانیدن مؤمن حرام است «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» (احزاب ۵۹)؛ امام صادق علیه السلام نیز در حدیث قدسی معتبر از خداوند روایت می‌کند که فرمان جنگ با من داده است کسی که بنده مؤمن مرا اذیت نماید؛ لی‌آذن بحرب مَنی من اذی عبدی المؤمن. (حرعاملی، ۱۸، ۵۸۷) مراد از مؤمن در آیه، ولو به حکم اصالت الاطلاق، مطلق کسی است که حکم به اسلام و ایمان آن شده است، (من حُکم باسلامه) اگرچند امامی نباشد، به دلیل اینکه این فهم، معهود و متعارف است از لفظ «مؤمن در زمان وحی». بنابراین، آنچه را که جمعی از اعظام گفته‌اند در جهت تخصیص آیه به وسیله روایت، حجت علیه اطلاق کتاب عزیز شده نمی‌تواند به علت عدم تنافی بین آیه و روایت (محسنی(ره))، ۱۳۸۷، ۱: ۱۳۴-۱۶۰).

حضرت آیت‌الله محسنی(ره) برای ادعای که دارد به این آیه قرآن کریم استناد می‌کند که: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» (نساء: ۹۴) آیه دلالت می‌کند بر منع تکفیر هرکسی که اظهار اسلام نماید ولو با گفتن سلام مسلمانی؛ بلکه حتی اظهار اسلامیت هرفردی، قابل قبول است و باطن امر آن به خداوند تعالی واگذار می‌گردد (همان).

حضرت آیت‌الله محسنی(ره) می‌فرماید:

تمام آیات قرآن مجید: «یا ایها الذین آمنوا...»؛ «قد افلح المؤمنون» و... تمام مذاهب اسلامی را شامل می‌شود. خطاب‌های «یا ایها الذین آمنوا» مخصوص به شیعه نیست، در قرآن به همه مسلمانان خطاب شده است و ایمان به خدا و پیامبر مورد نظر است و همه مذاهب اسلامی را شامل می‌شود. بنابراین آن‌ها مؤمن هستند، ما هم مؤمن هستیم (محسنی(ره))، ۱۳۸۶: ۶۴).

۶-۲. اعتمادسازی و اطمینان از مشترکات

یکی از عوامل و راهکاری که در بحث از تقریب مذاهب اسلامی بسیار مهم است این است که باید بین شیعه و سنی و بین مسلمان به صورت کلی، اعتمادسازی صورت بگیرد که بر مشترکات دینی شان صحه بگذارند. آیت‌الله محسنی(ره) می‌گوید:

نزد اهل سنت، قرآن کریم از زیادت و نقصان، سالم است و معانی آن بروفق قواعد لغت عربی، فهمیده می‌شود. قرآن کلام خداست؛ همه آن حقی است و مصدر اول برای عقاید مسلمانان و معاملاتشان. این موضوع مقبول شیعه هم است. به اضافه اینکه قرآن را مصدر اول معاملات و عبادات و اخلاق و همه امور زندگانی خود می‌دانند. فقط اختلاف نظر در یک کلمه است که ما می‌گوییم قرآن حادث است. درباره عدم زیادتی در قرآن مجید به حمدالله هیچ اختلافی بین شیعه و سنی وجود ندارد. درباره کم شدن پاره‌ای از آیات قرآن، نظر مشهور علمای امامیه نیز منفی است و معتقدند قرآن مجید سالم، باقی مانده است. نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون (همان).

ممکن است کسی در مورد تحریف قرآن کریم به روایاتی تمسک نمایند که از نظر ما سند این روایات ضعیف است و اعتبار ندارد. آیت الله محسنی (ره) می‌فرماید:

روایات باب تحریف قرآن کریم در کتب شیعه و سنی اگر وارد شده‌اند، همه ضعیف‌اند و مورد اعتبار و اعتنای دانشمندان بزرگ قرار نگرفته است و بر سلامت قرآن از نقیصه تأکید کرده‌اند. به هر حال وقتی صیانت قرآن از زیاده، اجماعی باشد و نقیصه آن مورد انکار مشهور دانشمندان طرفین باشد، چرا بدون مورد جار و جنجال به راه انداخته بهانه‌ای به دست کفار بدهیم؟ به نحوی محسوس ثابت می‌شود که قرآن شیعه و سنی یک ذره اختلافی ندارد و قرآن همه مسلمان یک قرآن است که معجزه خالده حضرت پیامبر ختمی مرتبت ﷺ است (حرکت اسلامی، ۱۳۷۳، ۱۰: ۱۳ و ۵۶).

۲-۷. تقریب سازی مفهومی

یکی از راهکارهای که در بحث از تقریب و اتحاد مذاهب اسلامی می‌تواند مؤثر باشد این است که از نظر مفهومی، باید روی دو مفهوم تشیع و تسنن تأکید شود که در معنای لغوی خودش یک معنای وسیع و جامعی را دارد که هر دو فرقه می‌توانند در عین حالی که مثلاً شیعه هستند تسنن هم باشند و برعکس. حضرت آیت الله محسنی (ره) در این زمینه می‌فرماید:

اگر معنای تسنن و سنی‌گری متابعت سنت پیغمبر ﷺ باشد که تمام شیعه سنی هستند و کسی که پیرو سنت آن حضرت نباشد کافر است! و اگر معنای تشیع محبت

ائمهٔ عترت و پیروی آن‌ها باشد، باید تمام سنی‌ها شیعه باشد؛ زیرا محبت علی و اولاد علی بر همه لازم است، و جمعی از علمای اهل سنت بروجوب آن ادعای اجماع کرده‌اند. پس شیعه سنی است و سنی شیعه (محسنی(ره)، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

وقتی به محتوای روایات دقت شود، متوجه می‌شویم که بسیاری از روایات از زبان ائمه معصومین علیهم‌السلام خیلی شباهت به روایاتی دارد که از زبان حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد شده است. این نشان می‌دهد که ائمه اطهار چیزی را از خودشان نقل نمی‌کنند و آنچه را گفته‌اند در واقع همان محتوای است که حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیان کرده‌اند:

بنده در اوایل سال ۱۳۵۵ شمسی کتابی به نام فواید دین در زندگانی نوشتم که در مؤسسهٔ بیهقی در کابل قبل از طبع مورد بررسی قرار گرفت. در این کتاب روایات زیادی از طریق شیعه، از امام محمدباقر و امام جعفر صادق علیهم‌السلام نقل کرده بودم. یکی از ایرادهای مؤسسهٔ بیهقی بر کتاب این بود که شما روایات نبوی را از امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام نقل کرده‌اید، نه از خود حضرت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم من در آن موقع متوجه شدم که چقدر بین روایات شیعه و سنی نزدیکی وجود دارد که علاوه بر معنا، حتی در الفاظ هم باهم متحد هستند. بالاخره ائمه اهل‌البیت هر چه گفته‌اند، از سنت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گفته‌اند. و در این مورد امام صادق علیهم‌السلام فرموده است که ما اهل رأی نیستیم. هر چه می‌گوییم از پدران خود، و از رسول خدا می‌گوییم که از خداوند نقل فرموده. سند این روایت معتبر است. من باز بر لزوم تدوین فقه مقارن و حدیث مقارن، تأکید می‌کنم که پایهٔ اساسی اتحاد نظر شیعه و سنی است (محسنی(ره)، ۱۳۸۶: ۴۶).

۸-۲- تقیهٔ مداراتی و مصلحتی

تقیه مداراتی یکی دیگر از مواردی که می‌تواند تقریب مذاهب تقریب مذاهب اسلامی و همگرایی مسلمانان مؤثر باشد. یعنی تقیه با نگاه اصولی و قرآنی بحث و عملی شود نه صرفاً بحث خاص مربوط به مذهب شیعه. نگاه آیت‌الله محسنی(ره) چنین است:

تقیه از اصول قرآن است و مربوط به شیعه نیست. علمای اهل سنت هم تقیه را قبول دارند و موضوعش احتمال ضرر و خوف است، ولی در فقه شیعه یک قسم دیگری از تقیه وجود دارد و آن تقیهٔ مجامله‌ای و تقیهٔ مدارا است. موضوع این تقیه، ضرر نیست؛ این

تقیه‌ای است که باید اخوت اسلامی حفظ شود و مدارا، مجامله، انس و محبت در بین مسلمانان پیدا شود. این حدیث سندش معتبر است که امام معصوم می‌فرماید: من صلی معهُم فی الصّفّ الاوّل کان کمن صلی مع رسول الله فی الصّفّ الاوّل (محسنی، ره)، (۱۳۸۶: ۲۰-۲۱).

۸-۲- نگاه کلان و استراتژیک

یکی از راهکارهای که می‌تواند در همگرایی جهان و وحدت شیعه و سنی مفید باشد، نگاه کلان و استراتژیک به دنیای اسلام و وضعیت جامعه اسلامی است. ضرورت‌های ناشی از وضعیت کلی جهان اسلام و نحوه برخوردی که کشورهای غربی با مسلمانان دارند، می‌تواند به‌عنوان یک محرک بسیار قوی در همگرایی و اتحاد جامعه اسلامی نقش داشته باشد. آیت‌الله محسنی (ره) خود در این زمینه دارای افکار بلند و اندیشه‌های ناب است که سعی کرده آن را برای مردم جهان بیان نماید:

۱) اسلامی شدن حکومت‌های موجود در کشورهای اسلامی؛ ۲) تأسیس جماهیر متحد اسلامی؛ ۳) اتحاد اسلامی؛ ۴) آگاهی دادن مردم مسلمان؛ ۵) مبارزه علیه ناسیونالیسم، ملی‌گرایی، نژادپرستی، وطن‌گرایی، قوم‌گرایی و تثبیت انترناسیونالیسم اسلامی؛ ۶) حکومت واحد جهانی اسلام (محسنی، ره)، (۱۳۷۱، ۲۰۴-۲۰۵)؛ ۷) ثروت‌های سرزمین‌های اسلامی حق همه مسلمانان است که به‌طور عادلانه باید توزیع شود. بلی، چاه‌های نفت و معادن بزرگ جهان اسلام متعلق به همه مسلمانان جهان است، نه بعضی از کشورها. (محسنی، ره)، (۱۳۸۶: ۳۴). لذا وحدت اسلامی، مردم‌سالاری اسلامی، امت اسلامی، جهان‌شمولی اسلامی، آزادی و عدالت اجتماعی، حقوق و دیدگاه‌های اسلامی، باید جایگزین گفتمان سیاست خارجی دولت‌هایی گردد که ادّعای هویت اسلامی دارند و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و دینی خود را گرامی می‌شمارند (محسنی، ره)، (۱۳۸۲: ۱۰۳-۱۰۹).

با توجه به چالش‌های که در جهان اسلام وجود داشته و دارد، تنها راهی که می‌تواند این درد را درمان نماید این است که اتحادیه امت اسلامی شکل بگیرد: «... اتحادیه امت اسلامی، پاسخی است به این چالش‌ها و سؤال‌ها؛ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُون» (مؤمنون: ۵۲) (همان).

بنابراین عوامل زیادی وجود دارد که اگر نسبت به آن‌ها فهم و دانایی حاصل شود و به مرحله اجرا و عمل برسد، قطعاً در همگرایی بین پیروان دو مکتب، تأثیرگذار بوده و موجب اتحاد و برادری بیشتری بین برادران اهل تسنن و تشیع می‌شود.

۳- مبانی دیانت و اسلامیت در منابع فریقین

به راستی دیانت و اسلامیت چه مبنا و معیاری دارد؟ به عبارت دیگر با چه چیزی می‌توان دیانت و اسلامیت یک فردی را به اثبات رساند یا شاخص‌ها و علائمی که برای دیانت و اسلامیت وجود دارد چیستند؟ در این باره به بررسی روایاتی از شیعه و سنی می‌پردازیم که در آن‌ها، معیارهایی برای دیانت و اسلامیت ذکر شده است:

۳-۱. شاخص‌های دیانت در روایات شیعه:

روایاتی زیادی وجود دارد که بر علائم و نشانه‌ها و به عبارتی بر شاخص‌های اسلامیت و مسلمان بودن تأکید دارد. در این روایات بر یک سری عناوینی تکیه شده است که نشانه و علامت برای همه مردمی است که امروزه بدان عمل می‌کنند؛ اما روایات گاهی بر تعدادی و گاهی بر تعدادی دیگری از شاخص‌ها اشاره داشته است که باید از بین این علائم به قدر جامع آن اکتفا گردد:

۳-۱-۱. اسلام یعنی عمل ظاهری مردم

در حدیثی، نشانه ایمان و دیانت افراد بعد از شهادتین، به صلات، زکات، حج، و روزه بسنده شده است:

عن سفیان بن السمط عن ابي عبد الله، جعفر بن محمد الصادق عليه السلام، في حديث قال: الاسلام هو الظاهر الذي عليه الناس، شهادة ان لا اله الا الله، وأن محمداً رسول الله صلى الله عليه وآله و اقام الصلاة، و اتىء الزكاة، و حج البيت، و صيام شهر رمضان، فهذا الاسلام. وسایل الشیعه (محسنی(ره)، ۱۳۷۵: ۳-۵).

۳-۱-۲. اسلام یعنی قول و فعل

در یک حدیث دیگر امام معصوم عليه السلام به چهار نشانه مهم در اسلامیت و دیانت افراد اشاره می‌کند:

عن حمران، عن ابی جعفر الباقر علیه السلام فی حدیث الاسلام و الایمان، قال: و الاسلام ما ظهر من قول او فعل و هو الذی علیه جماعة الناس من الفرق کُلّها و به حققت الدماء و علیه جرت الموارث و جاز التکاح و اجتمعا علی الصّلاة و الزّکاة و الصّوم الحجّ؛ فخرجوا بذلك من الکفر و اضیفوا الی الایمان. معجم الاحادیث المعتمره (همان).

با توجه به متن روایات فوق، حضرت آیت الله محسنی (ره) در این زمینه می فرماید: «روایات وارده از طریق شیعه که دلالت دارند بر اعتبار ولایت، در اسلامیّت، حمل می شوند بر اسلام به معنای خاص آن؛ و فقط منکر ضروری از ضروریات دین اسلام، کافر است» (همان).

۲-۳. شاخص های دیانت در روایات اهل سنت

چنانکه در روایات شیعه، شاخص های دیانت و اسلامیت ذکر شده است، در منابعی از اهل سنت نیز علائم و نشانه های برای دیانت و اسلامیت ذکر شده است که در بسیاری از موارد شباهت های زیادی باهم دارند. در یک روایت، نشانه های ایمان به پنج علامت خلاصه شده است که شبیه به روایتی اولی است که در بخش روایات شیعی به آن پرداخته شد؛ یعنی همین شهادتین، نماز، زکات، حج و روزه تأکید شده است:

عن ابن عمر، عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال: بنی الاسلام علی خمس، شهادة أن لا اله الا الله و أن محمّد رسول الله و اقام الصّلاة و ایتاء الزّکاة و الحجّ و صوم رمضان. کتاب الایمان بخاری و مسلم (همان).

در این مورد حضرت آیت الله محسنی (ره) اضافه می کند که مطابق دیدگاه اهل سنت هیچ یک از اهل قبله کافر نیست و اهل سنت رأی به کفریت آنان نمی دهد:

نووی در حاشیه کتاب الایمان مسلم گفته است مذهب اهل سنت هیچ کس از اهل قبله و غیر اهل سنت را تکفیر نمی کند و از ابن حجر در صواعقش برمی آید که فقط منکر ضروری از ضروریات دین اسلام کافر است (همان).

۳-۳. قدر جامع و مشترک اسلام و ایمان

آوردن روایات از دو نگاه اهل سنت و شیعه، حضرت آیت الله محسنی (ره) قدر جامع هر دو دیدگاه در مورد اسلامیت و دیانت را برمی شمارد:

یک: وجود خدای وحده لا شریک له؛ دو: رسالت نبی اعظم ما محمد ﷺ؛ سه: نبوت جمیع انبیاء؛ چهار: قرآن مجید؛ پنج: کتب مُنزل گذشته برای انبیاء؛ شش: روز قیامت و آخرت؛ هفت: ملائکه؛ هشت: ما انزل الله برای مسلمین و انبیای سابق (محسنی(ره)، ۱۳۸۷، ۲: ۹۱).

در بحث از ما انزل الله روی پنج چیز تأکید شد: شهادتین، نماز، زکات، روزه و حج. این موارد هم در نگاه شیعه و هم در نگاه اهل سنت به عنوان معیار و نشانه‌ای برای اسلامیت و دیانت افراد در نظر گرفته شده است. پس می‌بینیم که از این منظر روایات شیعه و سنی روی موضوعاتی تأکید کرده است که خوشبختانه نشان از هم بودن و همگرایی دارد. به همین خاطر است که حضرت آیت‌الله محسنی(ره) در فرجام سخن، تمنیات خویش در مورد وحدت روزافزون شیعه و سنی را این چنین به پایان می‌رساند: «مستحکم تریاد برادری شیعه و سنی در سراسر جهان اسلام». (تصویب قانون اساسی، ۱۳۸۲). در مقابل، لعن و نفرین خویش بر کسانی را که سعی کرده‌اند تعصب بورزند و این اتحاد را مخدوش نمایند، نثار نماید: «لعنت بر تعصب و تنگ نظری و درود بر تحمّل و برادری» (ماهنامه پیام صادق، ش ۹) و سرانجام اینکه تنها خداوند است که از نیت‌های هرکسی آگاه است که چه در سر دارد و چه قصدی: «والله من وراء القصد» (تصویب قانون اساسی، ۱۳۸۲).

نتیجه‌گیری

بحث از تقریب مذاهب اسلامی از مباحث به‌روز دنیای اسلام است. اندیشمندانی بزرگ و تواندیشی در این راستا کمر همت بسته‌اند و ایده و نظریه داده‌اند. اما آیت‌الله محسنی(ره) فقیه نام‌آشنای دیار افغانستان و از علمای بزرگ جهان اسلام در این مورد، بیشتر از هرکس دیگری، هم تقریبی اندیشیده و هم در عمل، تقریبی رفتار کرده است. ایشان مشکلات جهان اسلام و راه‌حل‌های مختلف آن را مطرح کرده است. با توجه به وضعیت تأسّف‌باری که دنیای اسلام با آن مواجه است، ضرورت دارد که نگاه کلان و اساسی به ضرورت اتحاد بین مسلمان و احترام گذاشتن به عقاید همدیگر در برابر دشمنان بیرونی، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. حضرت آیت‌الله محسنی(ره)، راهکارهای خاصی را در برابر دو فرقه شیعه و سنی قرار می‌دهد که هرکدام می‌تواند به عنوان یک امر

کاربردی برای حل مشکلات پراکندگی، تفرقه و نفاق که بین مسلمان شیعه و سنی وجود دارد، مطرح باشد. نسبت به عقاید همدیگر نباید بی حرمتی صورت بگیرد. قبول کنیم که شیعه و سنی به لحاظ لفظی و کارکردی می‌تواند جای همدیگر استفاده شود و هر شیعه به نحوی سنی و هر سنی به نحوی شیعه است. هردو گروه باید نسبت به احترام گذاشتن به مقدسات همدیگر و خودداری از توهین و افترا به بزرگان و علمای همدیگر التزام علمی و علمی داشته باشد. حصر مذاهب باید شکسته شود و همان‌گونه که بزرگان اهل سنت قبول کردند که شیعه به عنوان مذهب پنجمی می‌تواند در جامعه اسلامی فعالیت داشته باشد باید این ایده، جایافتد که هرکسی می‌تواند از مذهبی به مذهبی دیگر رفته و به آن عمل نماید. از همه مهم‌تر اینکه ایمان در معنای عام کلمه، شامل هردو گروه شده و همه کسانی که مسلمان‌اند، برادران دینی و ایمانی هم هستند. در نهایت آیت‌الله محسنی (ره) با آوردن روایاتی از شیعه و سنی هردو، تأکید کرد که مبنای دیانت و اسلامیت در هردو فرقه پس از شهادت به خدا و نبوت حضرت پیامبر، عبارت‌اند از: صلوات، زکات، حج، صوم. روی این مبنا که هم در احادیث شیعه آمده است و هم در احادیث اهل سنت، هیچ جای برای تفرقه و نفاق نمی‌ماند و شیعه و سنی می‌تواند برادران دینی و ایمانی هم باشند و این همان تقریبی است که حضرت آیت‌الله محسنی (ره) برای آن تلاش کرده است.

منابع

۱. محسنی (ره)، محمد آصف، (۱۳۷۷)، الارض فی الفقه، قم: نشر محمد.
۲. -----، (۱۳۶۳)، حدود الشریعة فی محرّماتہا و واجباتہا، قم: بعثت.
۳. -----، (۱۳۷۱)، صراط الحق فی معارف الاسلامیة و الاصول الاعتقادیہ، مشهد: نشر ولایت.
۴. -----، (۱۳۷۵)، عدالة الصحابة، ضمیمه بحوث فی علم الرجال، مشهد: نشر ولایت.
۵. -----، (۱۳۶۳)، الفقه و المسائل الطیّبة، قم: نشر یاران.
۶. -----، (۱۳۶۳)، کتاب القضاء و الشهادة، بی‌جا: مطبعة سید الشهداء.
۷. -----، (۱۳۸۱)، مشرعة بحار الانوار، قم: مکتبه عزیزى.
۸. -----، (۱۳۷۹)، وحدت الامة الاسلامیة، قم: طاووس بهشت.
۹. -----، (۱۳۸۵)، تحقّق اتحاد اسلامی، کابل: شورای علمای شیعه افغانستان.
۱۰. -----، (۱۳۷۲)، تسنیم، مشهد: نشر ولایت.
۱۱. -----، (۱۳۸۲)، تصویب قانون اساسی در لویه جرگه، کابل: بی‌نا.
۱۲. -----، (۱۳۷۱)، تصویری از حکومت اسلامی در افغانستان، بی‌جا: حرکت اسلامی.
۱۳. -----، (۱۳۸۴)، تفسیر سوره شمس، کابل: مطبعة بلخ.
۱۴. -----، (۱۳۸۶)، تقریب مذاهب از نظر تا عمل، قم: نشر ادیان.
۱۵. -----، (۱۳۶۳)، توضیح مسائل جنگی، مشهد: دفتر فرهنگی حرکت اسلامی.
۱۶. -----، (۱۳۷۵)، توضیح مسائل طیبی، مشهد: حرکت اسلامی.
۱۷. -----، (۱۳۸۲)، جهانی شدن و جهانی سازی؛ مرحله تاپ، کابل: بی‌نا.
۱۸. -----، (۱۳۷۸)، خواست‌های شیعیان افغانستان، بی‌جا: دارالانشای حرکت اسلامی.
۱۹. -----، (۱۳۸۵)، دین و زندگانی، کابل: مطبعة بلخ.
۲۰. -----، (۱۴۰۱ق.)، روابط انسان، تهران: شعبه فرهنگی حرکت اسلامی.
۲۱. -----، (۱۳۷۶)، روح از نظر دین و عقل و علم روحی جدید، بی‌جا: چاپ مهر.
۲۲. -----، (۱۳۶۵)، روش جدید اخلاق اسلامی، قم: نشر قبادی.
۲۳. -----، (۱۳۸۲)، شیعه و سنی چه فرقی دارند؟ (جنگ در تاریکی)، کابل: مرکز الابحاث العقائدیة.
۲۴. -----، (بی‌تا)، حجت اثنی عشر، بی‌جا: بی‌نا.
۲۵. -----، (۱۳۸۴)، فوائد دمشقیه، کابل: انتشارات حوزه خاتم النبیین.
۲۶. -----، (۱۳۸۵)، فوائد دین در زندگانی، کابل: بی‌نا.
۲۷. -----، (۱۳۷۷)، گوناگون، قم: نشر محمد.

۲۸. -----، (۱۳۸۵)، مباحث علمی دینی، کابل: حوزه علمیه خاتم النبیین.
۲۹. -----، (۱۳۷۳)، متافیزیک از نظر رئالیسم؛ مشهد: نشر ولایت.
۳۰. -----، (۱۳۷۵)، مسائل کابل، کابل: نشر واقفی.
۳۱. -----، (۱۳۸۳)، مهدی موعود، کابل: انتشارات حوزه خاتم النبیین.
۳۲. -----، (۱۳۷۲)، نظریات سیاسی، علمی، اخلاقی و اجتماعی، بی جا: نشرات حرکت اسلامی.
۳۳. -----، (۱۳۷۴)، نظم مفید، نظراصلاحی بر حوزه های علمی، بی جا: بی نا.
۳۴. -----، (۱۳۷۴)، وظایف اعضای بدن، پیشاور: نشرات اسلامی صبور.
۳۵. -----، (۱۳۷۳)، همبستگی اسلامی و دشمنان آن، کابل: نشرات حرکت اسلامی.